

تولیت آستان قدس رضوی در مجمع مشورتی دهه پایانی ماه صفر تأکید کرد

# استفاده از ظرفیت‌های ملی برای خدمت‌رسانی به زائران



محمدحسین نیکبخت - عکاس رضوی



ویژه فرهنگ و معارف رضوی  
سال دوم | ویژه نامه ۲۰۸

موعظه / آیت‌الله حق شناس  
به اندازه اهمیت دادن  
به دستورات پروردگار، به  
شما اهمیت می‌دهند

۲

روایت‌هایی از زندگی مرحوم شهیدی پور  
معلمی که یک دایره‌المعارف  
قرآنی بود

۳

دکتر وحید ارشدی از تأثیر وقف در اقتصاد مقاومتی می‌گوید  
وقف؛ عامل قوام و پایداری  
اقتصاد کشور

۴

پایان نهمین دوره کارگاه‌های آموزشی سازمان علمی و  
فرهنگی آستان قدس رضوی  
دانشجویان ماداگاسکاری  
«سفیران رضوی» شدند

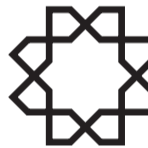
۴

۴

نگاهی به زندگی و مجاهدت‌های آیت‌الله محمدحسن مامقانی در سالروز رحلت او

## مبلغ اسلام در قلمرو تزار

**محمدحسین نیکبخت**  
مامقان، منطقه‌ای عالم‌خیز در نزدیکی تبریز است؛ جایی که از آن بزرگان بسیاری برخاسته و با مجاهدت‌هایشان، از مرزهای دیانت پاسداری کرده‌اند. آیت‌الله محمدحسن مامقانی یکی از این نام‌آوران و بزرگان است که شاید کمتر نامش را شنیده و درباره خدماتش به اسلام و مذهب حقه شیعه، چیزی خوانده باشید. مرحوم مامقانی از آن مجتهدانی بود که اعتقاد داشت برای تبلیغ دین و حفظ ایمان مسلمان نباید از خطرها و تهدیدها ترسید، باید گام در مسیر مبارزه گذاشت و تنها برای رضای پروردگار، سختی‌ها را به جان خرید و پیش رفت. امروز ۱۸ محرم مصادف با سالروز رحلت این عالم مجاهد و گرانقدر است که مدتی از عمر خود را هم در مشهدالرضا(ع) به تدریس و عبادت پرداخت. برای شناخت بهتر مرحوم مامقانی کافی است برخی از شاگردان او را بشناسیم؛ آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله سیدعلی قاضی، شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی و علامه سیدمحمدحسن امین. آن مرحوم در ۱۸ محرم سال ۱۳۲۳ قمری / ۵ فروردین ۱۲۸۴ خورشیدی، بدرود حیات گفت و در قبرستان وادی‌السلام نجف اشرف به خاک سپرده شد.



مجاهد در قفقاز

آیت‌الله مامقانی در حدود سال ۱۳۲۸ خورشیدی در حالی که ۲۶ سال داشت، برای ادامه فعالیت‌های تبلیغی دوباره عازم آذربایجان شد. او مدتی را در مامقان اقامت کرد. در این زمان به مرحوم مامقانی خبر رسید که شرایط شیعیان ساکن قفقاز بسیار وخیم است و آن‌ها از نظر داشتن مبلغ دینی، سخت در مضیقه هستند. حتماً می‌دانید که قفقاز طی دو عهدنامه ننگین

گلیستان و ترکمانچای از ایران جدا و بخشی از خاک روسیه تزاری شد و سیاست حکومت تزار هم مبتنی بر محدود کردن مسلمانان و تخریب مساجد بود. سفر تبلیغی به قفقاز آن هم در اوج شرایط پراختنایی که شیعیان گرفتارشان بودند، کاری خطرناک بود و شجاعت و جسارت بسیاری نیاز داشت اما مرحوم مامقانی بدون کمترین تردیدی راهی قفقاز شد و بیش از یک سال را در گنجه، نخجوان، شوشی و باکو به تبلیغ دین و رسیدگی به امور شرعی مردم پرداخت البته این اقدام، کار ساده‌ای نبود و مشقت‌های فراوانی به دنبال داشت. حکومت تزار در نهایت آیت‌الله مامقانی را مجبور کرد که به ایران بازگردد.

### سفر به مشهدالرضا(ع)

آن مرحوم پس از بازگشت به ایران و توقیف کوتاه در مامقان، دوباره راهی نجف اشرف شد و حلقه درس او در این حوزه دیرپا با استقبال فراوان طلاب و فضلا روبه‌رو شد. مرحوم مامقانی پس از درگذشت میرزای بزرگ شیرازی (صاحب فتاوی تنباکو) به عنوان مرجع تقلید شناخته شد و هزاران نفر در ایران، عراق و ترکیه از مقلدان او محسوب می‌شدند.

آن مرحوم دو سال پیش از وفاتش تصمیم گرفت برای زیارت حرم امام رضا(ع) و توقف در کنار این مضجع شریف راهی مشهد شود. این گونه بود که با وجود داشتن بیش از ۸۰ سال سن با تحمل سختی سفر، از مسیر کرمانشاه و تهران راهی مشهد شد و در شهرهای گوناگون مسیر مورد استقبال گسترده و کم‌نظیر مردم و علما قرار گرفت. در همین سفر بود که هنگام اقامت در شهر ری و ضمن زیارت حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) از مرحوم مامقانی خواستند به تهران برود و با مظفردالدین‌شاه دیدار کند اما او این درخواست را نپذیرفت و شاه قاجار به ناچار و برای حفظ آبرویش شخصاً به دیدار مرحوم مامقانی در شهر ری رفت. آیت‌الله مامقانی پس از ورود به مشهد و زیارت حرم رضوی، در این مکان مقدس مجلس درس و تبلیغ افتتاح کرد و حدود پنج ماه در کنار عبادت و زیارت، به تربیت طلاب حوزه مشهد پرداخت و سپس راهی نجف اشرف شد و چندی بعد در همین شهر دار فانی را وداع گفت.

### سنجاق

توی سرم روضه‌خوان می‌خواند: عباي «حسین» پُر از علی اکبر بود، آغوش دهمت هم...  
کلی ساعت خاطره کودکی و خنده و آرزو و امید پیداست، دوست و رفقای که خیره‌اند، در و همسایگانی هستند که بغضشان ترکیده، توی عکس ضحجه‌های مادرش هم هست، آشنایه خالی آقا سیدولی و کادری‌ها و هم‌پادگانی‌هایی که زیر لبی فغان می‌کنند؛ پس کجایی پسر؟  
برای بار صدم به تصویر توی تراکت نگاه می‌کنم و می‌بینم واقعاً عکس پیش رویم، یک عکس خالی تنها نیست، توی قاب فقط آقاابوالفضل نیست که دیده می‌شود، جلو باغی‌ها، از صبح تا به حال بارها خودم را گذاشته‌ام جای نزدیکان داغدار، که نمی‌شود. داغ جوان خیلی شکننده و زهردار است. جای آن‌ها بودن خیلی منش و شکیبایی می‌خواهد. جای مادرش بودن، خواهرش، پدرش، جای خاله‌اش، عمیوش، نه نمی‌شود. درد گدازنده‌ای است.

استان دارد. اهل خدا و پیغمبر و حسن خلق است. می‌دانستم پدر زحمتکش حلال خوری است که از صورتش لیخند نمی‌افتد... البته حالا را نمی‌دانم دیگر! حالا که از دو فرزندش، یکی با لباس رزم خون‌آلود خوابیده توی تابوت. حالا که پدر رفته برای برگرداندن پسرش... پسری که پرچم‌پوش است. استوری‌ها پر شده از اسم و عکس ابوالفضل... سرباز شهید... پسر آقا سیدولی... همان که قرار بود نورچشم و عصای دست پدر و مادرش باشد و حالا فدای وطن شده... ایستاده سینه سپر کرده جلو اراذل و اوباش،

**رقیه توسلی** | امروز یک استوری دیدم و کامم تلخ شد... دقایقی قصه را باور نکردم... موبایل را بستم اما ناخواسته سربازان فامیل و آشنا یکی یکی صف بستند توی ذهنم. عکس سر تراشیده و ستاره‌های روی دوش پسر همکاران لحظه‌ای از جلو چشمم کنار نمی‌روند. این قدر نمی‌دانستم پسر مهندسی دارد که رفته باشد سربازی. کجا؟ سیستان و بلوچستان. مرز. محل جولان اشرار. همین قدر می‌دانستم آقا «سیدولی» خوشرو، توزیع‌کننده روزنامه است و سال‌ها می‌شود با همراهی خانمش دستی بر آتش مطبوعات



سربازها گاهی به  
خانه بر نمی‌گردند

### منبر مجازی

ثمره خون حسین علیّه



**آیت‌الله فاطمی‌نیا** | عالم منصف اهل سنت، شیخ عبدالله علایی می‌گوید: «هجرت رسول اکرم(ص) برای احداث ساختمان دین بود و حرکت امام حسین(ع) برای محافظت از این بنا». باور کنید از این بهتر دیگر نمی‌شود گفت... بدانید کتاب‌های ما، علمای ما و دانشمندان ما همه از برکت نهضت امام حسین(ع) است... در واقع یزید می‌خواست با کشتن سیدالشهدا(ع) در دانشگاه دین را ببندد ولی امام حسین(ع) با خون خود و عزیزانش این در را باز نگه داشت... از همان روزهای نخستین شهادت امام حسین(ع)، امام سجّاد(ع) و حضرت زینب کبری(س) به عنوان استادان دانشگاه دین کار خود را آغاز کردند... در تمام سفر کوفه و شام درس دایر بود تا رسیدند به مدینه و مستقر شدند. در فضای خفقان مدینه فردی می‌گوید رفتم خدمت سیدالساجدین(ع) عرض کردم: یابن رسول الله! چگونه صبح کردید؟

جواب خیلی تلخ است. برای این جمله امام سجّاد(ع) باید خون گریست. حضرت فرمودند: «شب را به صبح رساندیم در حالی که به خاطر انتساب به رسول خدا امنیت نداریم، ولی بقیه مسلمین در امنیت هستند...» اما در همان اختناق مدینه حضرت نهضت علمی به راه انداختند و این نهضت را به حضرت باقر(ع) سپردند. باز هم فضای خفقان بنی‌امیه بود. حضرت شاگردان زیادی مثل «کمیت» را تربیت و این نهضت را احیا کردند.

پس از شهادت امام باقر(ع) مدرسه به دست امام صادق(ع) افتاد. آوازه علمی امام صادق(ع) در عالم پیچید به نحوی که از سراسر جهان برای کسب علم خدمت ایشان می‌رسیدند. این مدرسه از عجایب علمی عالم است. ما در دنیا مدرسه‌های طب داریم که پزشکان به آنجا مراجعه می‌کنند. مدرسه‌های اقتصاد داریم که اقتصاددان‌ها به آنجا رفت و آمد دارند. مدارس فقه را فقها همه علوم بود. فلاسفه، عرفا، فقها، کلامیون همه و همه گمشده خود را در این نهضت علمی امام صادق(ع) می‌یافتند. پس از امام صادق(ع) نیز بقیه ائمه(ع) به سهم خود در گسترش این نهضت تلاش کردند تا رسید به عصر ما که شیخ طوسی حوزه نجف را پایه‌گذاری می‌کند. تاریخ تشکیل حوزه نجف با دانشگاه الزهراء همزمان بوده و هر دو هم با اندیشه شیعی تشکیل شده. دانشگاه الزهراء را فاطمیون تأسیس کردند. «زهراء» مذكر کلمه زهراست که به یاد حضرت زهرا(س) این دانشگاه تأسیس شد. ببینید هر دو مدرسه هزار سال سابقه دارند... نجف «قاضی، بهجت، بحرالعلوم، کاشف الغطا و شیخ انصاری» را پرورش داده است. این‌ها بزرگانی بودند که لب اسلام را فهمیدند. همه این برکات و معارف ثمره نهضت حضرت سیدالشهدا(ع) بوده است...



